

دو کتاب برای پایان هفته

درصد کمی از نویسندگان بزرگ تاریخ را زنان تشکیل می‌دهند. به همین دلیل داستان‌هایی که قهرمان اصلی آن‌ها زن باشد نیز، کمتر روایت شده است. اما همه ما نیاز داریم تا داستان‌هایی بخوانیم که دنیای زنان را بیان کنند. زنانی که نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند. چرا که در غیر این صورت، روایت ما از جهان، نصفه و نیمه خواهد بود!

کتاب اول : همی تجربه‌های من در «وزارت درد»

وزارت درد اثر دوبراوکا اوگرشیچ نویسنده‌ای یوگوسلاو است. یوگوسلاو! چه صفت عجیبی. متولد کشوری باشی که دیگر وجود ندارد. داستان وزارت درد هم درباره همین موضوع است.

معلمی به نام تانیا بعد از شروع جنگ‌های داخلی و فروپاشی یوگوسلاوی به دلیل شرایط اقتصادی و اجتماعی نامناسب، کشورش را به مقصد هلند ترک کرد. تانیا که دکترای زبان و ادبیات اسلاو را دارد، در دانشگاهی می‌تواند شغلی پیدا کند. در کلاسش همه مهاجران یوگوسلاوی و از اقوام و نژادهای مختلف هستند. تانیا وقتی با شرایط روحی بد شاگردانش مواجه می‌شود، تصمیم می‌گیرد در کلاس نوستالژی بازی کند و با اینکار حس انقطاع از گذشته را در شاگردانش کم کند. به این کارش می‌گوید: «یوگونوستالژی».

کتاب دوم: روایت دنیای زنان در «جنگ چهره‌ی زنانه ندارد»

قهرمان این کتاب، یک نفر نیست بلکه جمعی از زنان است. زنانی که نه شاعر و فیلسوف و دانشمند هستند و نه قهرمانان و نام‌آوران جنگ. آن‌ها زنان ساده و معمولی‌ای هستند که به نوعی درگیر جنگ جهانی بوده‌اند و چهره‌ی زنانه‌ی آن را روایت می‌کنند. نویسنده در این کتاب، از شیوه‌ی مصاحبه‌ی رو در رو بهره برده و در نتیجه، روایت‌های تازه و عریانی از زنان درگیر جنگ را، به تصویر می‌کشد. سوتلانا الکسیویچ اولین نویسنده‌ی تاریخ است که به خاطر نوشته‌هایش در ژانر مستندنگاری جایزه‌ی ادبی نوبل را در سال ۲۰۱۵ از آن خود کرد.

پردیس جلالی